

ورزش



زین علی‌زهی و فرشاد پیوس در پرسپولیس در دهه ۷۰

بازیکنان زبده و آماده و بازیکنان منطقه‌ای و سپس جام تخت جمشید به اندازه‌ای بود که فرانک اوفارل همیشه برای انتخاب نقرات تیم ملی و خط زدن بازیکنان اضافه با مشکل روبه‌رو بود. در این بین او برای بستن لیست مهاجمان تیمش بیشتر از سایر خطوط با مشکل روبه‌رو بود. بهزادی، کلاتی و ایران‌پاک از پرسپولیس، مظلومی، روشن و عادلخانی از تاج، جهانی و اسپندار از ملوان، دانایی‌فر از عقاب، حلوائی و فرکی از پاس در زمره بهترین مهاجمان دهه ۵۰ بودند که ناشان همیشه در میان مدعوین به تیم ملی وجود داشت.

همین وفور نقرات خط حمله باعث و بانسی فهرمانی‌های متعدد ملی و باشگاهی در دهه ۵۰ شد که آخرین آن قهرمانی در جام ملت‌های ۷۶ تهران بود. غلامحسین مظلومی که چندی پیش درگذشت به همراه حسن روشن و صفر ایرانپاک بهترین مهاجمان و مردان خط آتش این دهه بودند.

سوپر گلزن‌های تکنیکی

همه دلخوشی آخر هفته تیفوسی‌های عشق سرخابی در دهه ۷۰ دیدن هنرنمایی ناصر محمدخانی و عبدالعلی چنگیز در پرسپولیس و



حسین کاکایی، هادی‌نور پورعلی و محمدرضا باهنر در تیم ملی فوتبال ایران

عنایتی گلزن باقی‌مانده از نسل قبل

#

وقتی رضا عنایتی هنوز با این سن و سال در ترکیب تیم پدیده مشهد می‌درخشد و همیشه نامش به‌عنوان یکی از مدعیان بهترین گلزن لیگ مطرح است بهتر می‌شود فهمید که فوتبال ایران در زمینه مهاجم دچار مشکلات فراوانی است. هرچند نمی‌توان از توانایی‌های عنایتی هم به سادگی گذشت اما شاید اگر او رقبای جدی‌تری در خط حمله سایر تیم‌های لیگ می‌دید تا حالا به فکر خداحافظی از چمن سبز افتاده بود. رضا عنایتی که با گلزنی در تیم فوتبال ابومسلم به فوتبال ایران معرفی شد درخشش خود را در تیم‌هایی مانند استقلال تهران، مس کرمان، صبای قم و پدیده مشهد هم در لیگ ادامه داده است.

تحلیل

نگرش دفاعی، مانع ظهور مهاجمان شاخص

نگاهی به روند طی شده در یک دهه اخیر فوتبال ایران نشان می‌دهد که ما نه‌تنها در زمینه پرورش مهاجمان قابل و توانمند دچار ضعف بوده‌ایم که این نقطه ضعف شاید در بسیاری از پست‌های دیگر در فوتبال ما هم وجود داشته است. شاید یکی، دو چهره در هر پست توانسته‌اند خود را به فوتبال ایران معرفی کنند، اما همین عده معدود هم قابل مقایسه با نسل‌های گذشته خود نیستند و این شاید یکی از بزرگ‌ترین مشکلات فوتبال ما در دهه اخیر بوده است.

اما قطعاً اوضاع در ظهور، کشف و پرورش مهاجمان شش‌دانگ خراب‌تر از سایر پست‌ها بوده است. به نظر من دلیل اصلی این اتفاق نوع نگرشی است که در حال حاضر در فوتبال ملی و باشگاهی ما به وجود آمده است و تیم‌های فوتبال ما در درجه اول احتیاط را در دستور کار قرار می‌دهند. متأسفانه نتیجه‌گرایی در فوتبال ما باب شده است و بیشتر تیم‌ها و مربیان ابتدا به فکر گل نخوردن هستند تا هجوم و پیروزی. نگاهی به ترکیب تیم ملی فوتبال ما و بسیاری از تیم‌های باشگاهی حاکی از آن است که در یک دهه اخیر تقریباً همه مربیان فوتبال ایران ترکیب تیم‌های خود را بر اساس بازی با یک فوروارد طراحی کرده‌اند که قطعاً دلیل آن همان تفکر اولویت ناختن است. مشکل دیگر اما قطعاً به سازندگی بازمی‌گردد. زمانی بسیاری از ستاره‌های فوتبال ما از زمین‌های خاکی به سطح اول فوتبال ایران معرفی می‌شدند، اما حالا همان زمین‌ها جای خود را به ساختن‌های چند طبقه داده است و بسیاری از همین استعدادها جایی برای نشان دادن توانایی‌های خود ندارند. شاید بسیاری از تیم‌های فوتبال ایران از ابتدا ترکیب هجومی تیم‌شان را با خرید ستاره‌های سایر تیم‌ها انتخاب می‌کردند. اما به هر حال بودند تیم‌هایی که فقط کار سازندگی و شناساندن بسیاری از مهاجمان تراز اول تاریخ فوتبال ایران را برعهده داشتند. اما در حال حاضر دیگر هیچ نام و نشانی از این تیم‌های سازنده نیست و سرنوشت تلخی همچون انحلال شامل حال بسیاری از آنها شده است. اما همین عوامل هم باعث نمی‌شود تا سایر تیم‌ها کار سازندگی را شروع نکنند. مشکل دیگر اما کمبود تمرینات تخصصی برای معدود مهاجمان قابل در فوتبال ایران است. در همه تیم‌های معتبر دنیا همان‌طور که مربیان تخصصی برای دروازه‌بان‌ها وجود دارند، مهاجمان هم دارای مربیان اختصاصی هستند و شاید همین عامل یعنی نبود مربی تخصصی در تیم‌های باشگاهی و ملی و همچنین کم‌شدن ساعات تمرین باعث می‌شود که ما چهره قدر خاصی در بین مهاجمان ایرانی نداشته باشیم.مقایسه گلزنان ما در جام‌های جهانی گذشته شاید بهتر به روند نزولی فوتبال تهاجمی و ظهور فورواردهای شش‌دانگ اشاره می‌کند. وقتی تیم ملی فوتبال ایران در اولین دوره حضور در جام‌جهانی راهی آرژانتین شد هر دو گل ایران در جام جهانی ۱۹۷۸ را حسن روشن و ایرج دانایی‌فرد، دو بازیکن هجومی ما به ثمر رساندند. در جام‌جهانی ۹۸ دو گل ایران را حمید استیلی و مهدوی‌کیا به‌عنوان دو بازیکن میانی به ثمر ساندند و نزول در جام جهانی ۲۰۰۶ واضح‌تر بود و هر دوگل ایران در این جام را یحیی گل‌محمدی و سهراب بختیاریزاده، دو مدافع ایران به ثمر رساندند. هر چند تک‌گل ایران در جام جهانی ۲۰۱۴ را هم رضا قوچان‌زاد مهاجم به ثمر رساند، واقعا قوچان‌زاد از دید یک کارشناس شرایط فیزیکی یک مهاجم را ندارد و حضور او در راس خط حمله تیم ملی بیشتر به خاطر کمبود مهره در این پست است. وقتی سازندگی و کار اصولی در رده فوتبال پایه ما صورت نمی‌گیرد عاقبتش می‌شود همین که ما در حال حاضر هیچ مهاجم شش‌دانگی را در سطح اول فوتبال ایران نداریم. هرچند شاید همان معدود مهاجمان که نام‌شان در فوتبال ایران مطرح شد هم به دلیل عدم ثبات در دوران بازیگری‌شان خیلی زود از فوتبال محو شدند یا خواهند شد. کافی به یکی، دو مهاجم شاخص لیگ فوتبال ایران در همین پنج سال اخیر نگاهی کنیم. وقتی ثباتی در کار بازیکن نباشد و به خاطر قراردادهای کلان هر سال تیم خود را عوض کند، معلوم است که نمی‌تواند روند روبه‌رشد خود را حفظ کند تا زمانی که فوتبال ایران حتی نمی‌تواند به همین تک‌ستاره‌های ظهورکرده از دل لیگی دلخوش باشد، که مدت‌هاست کیفیت خود را از دست داده، خیلی نمی‌توان برای رشد چهره‌های آینده‌دار در آن برای آینده فوتبال ایران خوشبین بود. قطعاً باید در زمینه آموزش، تربیت، و برنامه‌ریزی برای مهاجمان فوتبال ایران فکری اساسی کنیم شاید در سال‌های آینده حقطی یک مهاجم شش‌دانگ گریبان فوتبال ما را نگیرد.



بیژن ذوالفقارنسب

کارشناس فوتبال

مهدی سلطانی‌راد

نداریم که نداریم. فقر مهاجم گلزن و

با اشتها سال‌هاست که در فوتبال ایران پیداد می‌کند. برای کارلوس کی‌روش تنها مدتی پرسه در ایران کافی بود تا تکلیفش را برای خط آتش تیمی که می‌خواهد بچیند بفهمد.

فوتبال ایران هیچ‌گاه به اندازه ۱۰ سال اخیر در داشتن مهاجم گلزن و نقرات پیشانی خط حمله دچار رکود ب‌أس‌آور نبوده. گویا خداحافظی علی دایی از فوتبال مساوی بسود با نم کشیدن انبار باروت خط آتش فوتبال ایران و اگر رضا عنایتی را از فهرست گلزنان نامدار سال‌های اخیر لیگ کنار بگذاریم چیزی جز سکوت بهت‌آور در برابر این پدیده نامیوم به‌وجود نمی‌آید. برخلاف رکود یک دهه اخیر در داشتن مهاجمان پرتعداد و البته گلزن بالفطره نگاهی به گذشته فوتبال آماتوری ایران نشان می‌دهد تیم ملی و فوتبال باشگاهی کشورمان همیشه با صفی رنگارنگ از فورواردهای تشنه گلزنی روبه‌رو بوده. حتی از همان دهه ۳۰ که واژه مهاجم تخصصی وارد ادبیات فوتبالی کشورمان شد.

خط حمله ۶ نفره

خط آتش فوتبال ایران در دهه ۳۰ بود که شروع به ساختن نقرات اولیه خود کرد. وقتی پرویز دهداری از جم آبادان به شاهین تهران پیوست و نامی برای خود دست و پا کرد ۲۵ ساله بود و در کنار پنج عضو دیگر شاهین و تاج نقرات خط حمله تیم ملی را ساختند. امیرمسعود برومند که در دهه ۳۰ مهاجم اول تیم ملی بود و حتی نامش در ردیف اولین مهاجمان تاریخ فوتبال

علی اصغر مدیروستا:

با ۱۵ دقیقه تمرین اختصاصی، مشکلات گلزنی حل نمی‌شود

پویان صفرنگلو اعلی اصغر مدیروستا

یکی از مهاجمان موفق ایران در دو رده باشگاهی و ملی است. او در اواخر دهه ۶۰ چهره شد و تاواسط دهه ۷۰ گل‌های زیادی برای پاس و بهمن زد. مدیروستا در تیم ملی هم با اینکه رقبای بسیاری داشت اما هرگاه به او میدان داده می‌شد کارش را می‌کرد و گلش را می‌زد. با او گفت‌وگو کردیم و از ضعف مهاجمان امروز فوتبال‌مان پرسیدیم، اینکه چرا فورواردهای ایرانی مانند گذشته کابوس مدافعان و دروازه‌بان‌ها نیستند.

با یک نگاه اجمالی و مقایسه‌ای می‌بینیم دیگر از مهاجمان گلزن چه در لیگ چه در تیم‌های ملی خبری نیست. چرا این اتفاق افتاده است؟ به نظر من دلایل بسیاری وجود دارد. اگر به موضوع مطرح شده به‌عنوان یکی از مضضلات فوتبال ایران نگاه کنیم می‌توانیم در وهله اول به مشکلات اساسی مان در رده پایه اشاره کنیم. اینکه قبل از ورود یک فوتبالیست به لیگ‌های بزرگسالان چه مراحل باید طی شود تا مهاجمانی گلزن داشته باشیم.

چه مراحلی باید طی شود؟

از بین رفتن زمین‌های خاکی و فوتبال

ایران ثبت شده، زودتر از دهداری به عضویت تیم ملی رسید و وقتی پرویز هم به تیم ملی دعوت شد با محمود شکبئی مثلث مهاجمان شاهینی تیم ملی را در کنار بیوک جدیکار، پرویز کوزه‌کنانی و نادر افشار (مثلث تاجی‌ها) تشکیل دادند. در میان این شش نفر دهداری و برومند گلزن‌ترین مهاجمان دهه ۳۰ فوتبال ایران لقب گرفته بودند.

باز هم شاهینی‌ها

باز هم مثلث...

با ظهور تیم دارایی در دهه ۴۰ جلال طالبی به‌عنوان مهاجم اول این تیم به تیم ملی دعوت شد. بسا این حال اما فهرست نقرات خط حمله تیم ملی در اختیار دو قطب بزرگ پایتخت بود. همایون بهزادی و حمید شیرزادگان که اوج‌گیری خود را از ابتدای این دهه در پیشانی خط حمله شاهین آغاز کرده بودند در کنار حسین کلاتی مثلث شاهینی‌های محبوب و مهاجم تیم ملی را تشکیل دادند.

از آن‌سو اکبر افتخاری و داریوش مصطفوی هم از تاج به تیم ملی دعوت شدند. ناظم گنجاپور هم دیگر مهاجم شاهینی این دهه بود که در مقاطعی به تیم ملی راه می‌یافت. همه بار خط حمله تیم ملی در دهه ۴۰ اما بر دوش دو نفر سنگینی می‌کرد. بهزادی و شیرزادگان که لقب سرطلایی و پاطلاسی را نیز با خود یدک می‌کشیدند. نکته مهم اما اینجاست که مجموع همه دیدارهای رسمی و دوستانه فوتبال ملی ما در طول دهه‌های ۳۰ و ۴۰ شاید به ۳۰ بازی هم نرسد، با این حال در همان معدود بازی‌های ملی نیز اشتتهای

بیشتر توضیح می‌دهید؟

نخیه‌ها و شایسته‌ها کنار می‌مانند چون نگاه حمایتی به آنها نمی‌شود. در همان فوتبال پایه عده‌ای سودجو بازیکنان معمولی را وارد چرخه

کهرنگ یا حتی فراموش شده است و به جای آن مدارس فوتبالی جایگزین شده که نتوانسته مشکلات فوتبال ما را حل کند.

یعنی یک مدرسه فوتبال نمی‌تواند برای فوتبال ما از یک دوره مسابقه گل کوچک محلی سودمندتر باشد؟ اکثر مدارس فوتبال ما در درجه اول مسائل اقتصادی را در نظر می‌گیرند، شاید عده‌ای هم باشند که در این مدارس از جیب خودشان هزینه هم بکنند اما مدارس فوتبال ما اکثرا معطوف به سه ماه تابستان می‌شوند در ثانی به فکر سود مالی خود هستند.

اما بسیاری از باشگاه‌ها در رده‌های پایه تیم فوتبال دارند. درست است اما توجه ویژه‌ای به آنها نمی‌شود. اجازه بدهید خیلی واضح و روشن صحبت کنم. متأسفانه استعدادهای بسیار خوبی در فوتبال ایران هدر می‌رود و کسی هم صدایش در نمی‌آید.

قبل از اینکه سراغ علل دیگر ضعف مهاجمان برویم، به ما بگویید واقعا فوتبال گل کوچک چه کمکی می‌تواند به فوتبال ما بکند.

در گذشته استقبال بسیار خوبی از این مسابقات می‌شد و فوتبالیست‌ها در شرایط بسیار سخت باید گلزنی می‌کردند. گلزنی در رقابت‌های گل کوچک دقت مهاجمان و ضربه‌زنی آنها را نشان می‌داد.

اینکه می‌گویند یک گلزن باید ششم گلزنی داشته باشد چیست؟ شم گلزنی و شکوفا شدن استعدادهای

یک مهاجم در همین مسابقات نمایان می‌شد. دلسوزان و استعدادپاها از دل همین رقابت‌ها بازیکنان آینده‌دار را پرورش می‌دادند. اما الان نمی‌شود یک بازیکن ۲۰ ساله را بیاوریم و تازه بخواهیم به او گلزنی را آموزش دهیم.

تمرینات در باشگاه‌ها چه قدر می‌تواند به فوتبال ما کمک کند. «تمرینات اختصاصی برای مهاجمان» عبارتی است که زیاد شنیده می‌شود.

بسا ۱۵ دقیقه وقت گذاشتن در پایان تمرین نمی‌توان یک مهاجم شش‌دانگ درست کرد. به نظر من بازیکنان امروز فوتبال ما خودشان در این موضوع مقصرند و دل به کار و تمرین نمی‌دهند. بحث خواستن و توانستن است.

شما در دوران بازی خود چه می‌کردید؟

من فقط مثالی می‌زنم. آن زمان که در پاس بازی می‌کردیم من از کرج راه می‌افتادم و به نازی‌آباد تهران می‌امدم تا جدا از تمرین باشگاهی با نفراتی چون فرهاد کاظمی، حمید استیلی، محمد خاکپور و رضا رضایی‌منش که خانه‌شان به محل تمرین نزدیک بود، تمرین گلزنی داشته باشیم. مدافعان دفاع می‌کردند و هافبک‌ها پاس



کپ